

چکیده:

در دهه‌های اخیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی موجب بالا رفتن سطح آموزش و افزایش کارایی نظام آموزشی شده است. این مقاله به واسطه مروری بر شرایط استفاده از وسایل ارتباط جمعی و جوامعی که در آن موفق بوده‌اند، سیستم آموزشی فعال و کارآمد را سیستمی می‌داند که در کنار معلمان متخصص و آموزش دیده از تکنولوژی‌های نوین آموزشی و ارتباطی نیز استفاده می‌شود.

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت به عنوان جزئی از نظام‌های ارتباط همگانی است که بعد از انقلاب صنعتی در آن تغییرات عمده‌ای در شیوه تدریس و راه‌های انتقال اطلاعات ایجاد شد و با ظهور وسایل ارتباط جمعی نوین از جمله رادیو و تلویزیون، آموزش از انحصار کلاس درس و کتاب بیرون آمد و دامنه وسیع‌تری را به خود گرفت. رواج تلویزیون در سه دهه پس از جنگ جهانی دوم دنیای جدیدی از ارتباطات را ایجاد کرد و این بدین معنا نیست که دیگر رسانه‌ها از میان رفتند، بلکه در سیستمی بازسازی و تجدید ساختار شدند که قلبش از لامپ‌های خلأ و سیمای جذابش از صفحه تلویزیون ساخته شده بود. رادیو مرکزیت خود را از دست داد ولی گستردگی و انعطاف پذیری آن افزایش یافت و سبکها و مضامین خود را با ضرباهنگ زندگی روزمره مردم تطبیق داد. روزنامه‌ها و مجلات حالتی تخصصی یافتند و در حالیکه اطلاعات استراتژیک را در خدمت رسانه فراگیر تلویزیون قرار می‌دادند، به محتوای خود عمق بیشتری می‌بخشیدند یا جلب مخاطب را هدف خود قرار می‌دادند. کتاب جایگاه خود را حفظ کرده هر چند بسیاری از کتابها نا خود آگاه به متون تلویزیونی تمایل داشتند، چیزی نگذشت که فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌ها پر شده از عناوینی که به شخصیت‌های مضامین رایج تلویزیونی اشاره می‌کردند. به نظر می‌رسد دلیل اصلی همه گیر شدن تلویزیون، آسانی و سادگی آن برای مخاطبان است چون مردم در امر یادگیری به آسانترین راه گرایش دارند و این آسانی در آموزش‌های تلویزیونی وجود دارد.

اهمیت و نقش آموزشی رسانه‌های ارتباط جمعی:

در میان رسانه‌های جمعی، رادیو و تلویزیون از لحاظ آموزش غیر رسمی، جایگاه ویژه‌ای دارند. این وسایل به دلیل برد وسیعشان، یکی از بهترین وسایل آموزشی و فرهنگی هستند. کشورهای مختلف، بر اساس نیازهای آموزشی خود می‌توانند افزون بر آموزش مواد درسی، استفاده‌های ثمربخشی از رادیو و تلویزیون در زمینه آموزش غیر رسمی به عمل آورند. آموزش غیر رسمی از طریق امواج رادیو و تلویزیون، می‌تواند در تمام ساعات شبانه روز شیوه‌های صحیح کشاورزی، دامداری، بهداشت، حمل و نقل و ترافیک و... را در بر گیرد و در بهبود وضع جامعه مؤثر افتد. دانش آموزان امروزی، بیش از پانزده هزار ساعت از وقت خود را در کنار تلویزیون و باتصاویر تلویزیون می‌گذرانند، این در حالی است که تنها حدود هزار ساعت از وقت خود را در کلاس درس و با معلم هستند. و این می‌تواند اهمیت این مساله را دو چندان کند. کاربرد رادیو و تلویزیون در آموزش غیر رسمی کشورهای مختلف، شدیداً تابع هدف‌های توسعه و رشد آن کشورهاست و از این رو، تفاوت‌های چشمگیری که در کاربرد و محتوای آموزشی رادیو و تلویزیون در جوامع گوناگون یافت می‌شود، کاملاً منطقی به نظر می‌آید.

در ایالت متحده آمریکا، بسیاری از موسسات آموزشی، ایستگاه‌های تلویزیونی تاسیس کردند و تا سال ۱۹۶۱ بیش از ۶۰ ایستگاه تلویزیون آموزشی نیز ایجاد شد. در این کشور تلویزیون آموزشی را صد در صد درسی می‌دانستند و برنامه‌های آموزشی تلویزیون، عکسبرداری از تدریس حضوری معلم و کلاس درس، به شکل خاصی بازسازی شده بود. در واقع این وظیفه تلویزیون، کمک به رفع مشکلات کمی دانش آموز در شرایط کثرت شمار دانش آموزان، کمبود معلم با تجربه، کمبود تسهیلات و کمک در جهت انجام وظایف آموزشی و نظایر آن بود.

ویژگی‌ها و مقایسه رادیو و تلویزیون:

به دلیل اختلافاتی که بین یادگیری از راه گوش و چشم و یا وسایلی که به این دو حس مربوط می‌شوند وجود دارد، به نظر می‌رسد که وسایل دیداری برای یادگیری مفاهیم مشکل و درک جزئیات و تجزیه و تحلیل نکات و مسایل انتقادی مناسبتر هستند در حالی که وسایل ارتباط شنیداری، در بیان مطالب ساده‌تر و قابل فهم‌تر مثل اشعار برتری دارند. ویژگیهای رادیو به طور کلی در امر آموزش عبارتند از:

- ۱- پیامهای رادیویی به سرعت منتشر می‌شوند.
 - ۲- همزمان با شنیدن رادیو می‌توان به کارهای دیگر نیز پرداخت .
 - ۳- ارزانی قیمت رادیو.
 - ۴- رادیو یک وسیله انتقال کلامی است و چون وقایع به دقت تشریح می‌شود از این طریق می‌تواند کمک فراوانی به نابینایان بکند.
 - ۵- هزینه تولید برنامه‌های رادیویی در مقایسه با تلویزیون ناچیز است. ویژگیهای تلویزیون عبارتند از:
 - ۱- جلوگیری از هزینه‌های تکرار یک تجربه یا آزمایش برای دانش‌آموزان مثلا با یک آزمایش می‌توان هزاران دانش‌آموز را مورد مخاطب قرار داد.
 - ۲- ارائه تجربیات مشترک به دانش‌آموزان.
 - ۳- تلویزیون دانش‌آموزان را با شرایط خارج از خانه و مدرسه آشنا می‌کند.
 - ۴- یادگیری از طریق تلویزیون آسان است.
 - ۵- تصاویر تلویزیون آموزش را اثر بخش‌تر و مفیدتر می‌کند.
- در کنار مزایای تلویزیون محدودیتهای همچون هزینه ابتدایی خرید تلویزیون، ارتباط یک طرفه تلویزیون و ... را می‌توان نام برد.

رادیو

اولین دستگاه‌های پخش منظم رادیویی در سال ۱۹۲۰ در انگلستان به کار افتاد و در سال ۱۹۲۶ اولین کنفرانس بین‌المللی رادیویی با شرکت ۲۷ کشور جهان، در برلین برپا شد و آیین نامه مقررات ارتباطات رادیویی به تصویب رسید. رشد فزاینده رادیو و مخاطبانش، آن را تبدیل به رسانه‌ای جمعی و فراگیر نمود. ارزانی بهای رادیوهای ترانزیستوری نیز به پیشرفت این رسانه در کشورهای توسعه نیافته کمک کرد. در هر حال در دنیا تقریباً یک میلیارد گیرنده رادیویی وجود دارد، یعنی برای هر چهار نفر یک گیرنده رادیویی موجود می‌باشد. به علت پرهزینه بودن برنامه‌های تلویزیونی اکثر کشورهای در حال توسعه بر روی برنامه‌های رادیویی سرمایه‌گذاری می‌کنند. رادیو آموزشی در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم، به ویژه در آمریکای شمالی و کشورهای اروپای غربی رواج و گسترش یافت. توان تعلیم و تربیتی رادیو نیز تا حد زیادی مانند تلویزیون است و رسانه‌ای عالی برای اطلاع‌رسانی، آگاه کردن، ایجاد علاقه و تاثیر گذاری بر عقاید مردم است و نیز مانند تلویزیون کانال ارتباطی یکسویه با امکانات محدود بازخورد است.

تلویزیون

بدون شک تلویزیون رسانه‌ای گیرا و جذاب است و به آسانی بینندگان را به خود جلب می‌کند و نیازی نیست بیننده حتماً با سواد باشد تا پیام آن را درک کند و در مقایسه با رادیو از جهت بعد بصری دارای مزیت مضاعفی است هرچند که هزینه آن بیشتر است ولی از بعد آموزشی و اثر بخشی بسیار قویتر است.

تلویزیون ثابت کرده است که وسیله ارتباطی نیرومندی است که با تکیه بر توانمندی‌های خود تاثیرات فراوانی بر همه جامعه دارد، این وسیله پس از جنگ جهانی دوم، به عنوان یک رسانه آموزشی به کار گرفته شد. آمریکاییان در ابتدا تلویزیون آموزشی را معادل تلویزیون درسی می‌دانستند و برنامه‌های آموزشی آن برگرفته از تدریس حضوری معلم و کلاس درس بود؛ اما در انگلیس و اکثر کشورهای اروپایی، تلویزیون آموزشی در حوزه‌هایی اعم از دروس مدارس تعریف شد و عهده‌دار تولید و پخش برنامه‌های اطلاعاتی، آموزشی و سرگرم‌کننده گردید. تلویزیون آموزشی به تدریج جای خود را به تلویزیون عمومی داد که کارکردهای آن عبارت بودند از: امور عمومی، فرهنگ و آموزش و پرورش. هدف از برنامه‌های فرهنگی ایجاد تغییر در رفتار به منظور پرورش ذوق و درک هنرها، پرورش حس درک فرهنگ معاصر و میراث آن است. همچنین مقصود از برنامه‌های عمومی ایجاد و تغییر در رفتار به منظور مساعدت مردم در تصمیم‌گیری نسبت به مسائل سیاست داخلی و خارجی است و هدف از برنامه آموزشی ایجاد تغییرهای مشخص در

رفتار زیبایی شناختی، اطلاعاتی و ماهرانه است. یکی از نتایج باز تعریف مفهوم تلویزیون آموزشی این بود که محور اصلی کار را بیشتر متوجه خود مردم ساخت تا نیازهای آموزشی مدارس. امروزه برنامه های آموزشی رسمی تلویزیون در آمریکا را برنامه های درسی و برنامه های غیر رسمی تلویزیون را برنامه های آموزشی یا حتی برنامه های عمومی می خوانند. در اروپا این برنامه ها را در اصطلاح اجوکشنال و نوع دوم را اجوکیتیو می نامند که اصطلاح نخست را می توان آموزشی و اصطلاح دوم را فرهنگ پخش ترجمه کرد. در ژاپن نیز تنها سازمان رادیو- تلویزیون سراسری و غیر انتفاعی کشور یعنی ان. اچ. کی تاکد بر اجرای هر چه بهتر و پر بارتر برنامه های آموزشی و فرهنگی گذاشته است. برنامه های آموزشی و فرهنگی این سازمان، شامل انواع برنامه های درسی خاص مدارس، برای دستیابی به آموزش مستقیم، برنامه های ویژه برای معلولان، تدریس زبان های خارجی آموزش خردسالان، آموزش انواع مهارتها و برنامه های فرهنگی و علمی برای عموم مردم است. همه برنامه های رادیو و تلویزیون عملاً توان آموزشی دارند، زیرا حاوی پیام هایی با بار فرهنگی به معنای وسیع کلمه هستند. و انگهی سیر پیشرفت تکنولوژی این دو رسانه و رسانه های خویشاوند آن نیز موجب گسترش و برد و تنوع کارکرد آموزشی آنها شده است. امروزه آموزش تلویزیونی شامل هر دو بخش رمی و غیر رسمی است، بنابر این اشتباه خواهد بود اگر امروزه تعریف تلویزیون آموزشی را منحصر به آن دسته از برنامه های تلویزیونی کنیم که فقط در قالب نظام آموزش رسمی می گنجد. ممکن است برنامه ای بصورت آموزش غیر مستقیم باشد و در وضعیتی رسمی پخش شود که هدف از آن، کمک به امر تدریس معلمان و تسهیل روند یادگیری است. بنابراین فعالیتهای آموزش درسی تلویزیون را می توان شامل برنامه های دانست که اولاً هدف آنها آموزش مستقیم یا غیر مستقیم باشد، ثانیاً این آموزش ها هم به صورت رسمی وهم به صورت غیر رسمی انجام گیرد.

یونسکو چهار ویژگی عمده برای برنامه های آموزشی رادیو- تلویزیون قائل شده است که عبارتند از:

(۱) برنامه ها به صورت مجموعه متوالی است تا به یادگیری تزیادی کمک کند.
(۲) طراحی و برنامه ریزی آنها مشخصاً با کمک مشاوران آموزشی صورت می گیرد.
(۳) این برنامه ها معمولاً با دیگر مواد انواع آموزشی همچون متون درسی و راهنمایی مطالعاتی همراه است.

(۴) استفاده از این برنامه ها توسط معلم و شاگرد به نوعی مورد ارزیابی قرار می گیرد. بدین ترتیب، رادیو- تلویزیون، به شکل گسترده ای عموم مردم و سراسر زندگی آنها را در بر می گیرد. رادیو و تلویزیون می تواند در کنار برنامه های درسی برنامه هایی نیز برای ارتقای سطح دانستیها و معلومات عموم و اعتلای سطح دانش فنی و مهارت قشرهای معینی از جامعه و تشویق ذوق هنری آنها تهیه و پخش کند که همان نقش و رسالت فرهنگی این دو رسانه است. رادیو- تلویزیون آموزشی، امروزه شامل هر دو بخش درسی و فرهنگی است، عموم مردم را چه در قالب برنامه های درسی و چه به صورت برنامه های سرگرم کنند در نظر دارد و آموزش می دهد و به اعتبار همین هدف اصلی اش (آموزش)، از رادیو- تلویزیون آموزشی متمایز می شود. مارشال مک لوهان در مورد تلویزیون آموزشی چنین می گوید: " اهمیت نقش آموزشی تلویزیون، هنگامی آشکار می شود که می بینیم کودکی سه ساله می تواند در کنار پدر و پدر بزرگش، کنفرانس مطبوعاتی رییس جمهور را به آسانی تماشا کند. از آنجا که تصاویر تلویزیونی، مشارکت فراوانی را می طلبد، می تواند نقش چشمگیری را در امر آموزش داشته باشد. این احتمال وجود دارد که در آینده ای نه چندان دور، هر کلاس درسی مجهز دبه یک دستگاه تلویزیونی شود. در واقع، پس از اختراع تلویزیون، دیگر برای یادگیری زبان کسی تنها به کتاب آموزش زبان بسنده نمی کند، بلکه همگان به این باورند که باید زبان را شنید و حرف زد و این باور نوین است که سبب پیدایی سریع برنامه های مختلف پیا اسلوب های جدید شده است."

استفاده از رادیو- تلویزیون در امر آموزش، در هر جامعه ای به دلیل تفاوتها فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مستلزم پژوهش های بنیادی و اجرای برنامه های خاصی است. زیرا امکانات و نوآوری های تکنولوژیک، تنها هنگامی می تواند در یک نظام آموزشی مؤثر واقع شود که پاسخگوی نیاز های واقعی آن جامعه باشد. اصطلاحات متنوعی که برای تلویزیون آموزشی به کار می رود، گویای موارد استفاده خاص و عام این رسانه در آموزش است. تاکید بر محتوای فرهنگی آموزش، زاده تغییر در نحوه نگرش به آموزش است که آن را فرایندی مستمر در حیات بشری می داند. این دیدگاه در شیوه برخورد با برنامه های آموزشی رادیو و تلویزیون بازتاب داشته است و به این ترتیب ، همه برنامه ها نیز عموم مردم هستند و تلویزیون در جوار برنامه های رسمی درسی می تواند

برنامه‌هایی به منظور ارتقای دانش، مهارت‌ها و تقویت نگرش و احساس‌های عمومی تهیه و پخش کند.

نقش رادیو تلویزیون در امر آموزش را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد:

- _ رادیو - تلویزیون می‌تواند دنیای خارج را به داخل کلاس آورده و علایق دانش آموزان را برای یادگیری برانگیزد و قدرت تصور آنان را تحریک کند.
- _ رادیو- تلویزیون می‌تواند برای تسهیل امر یادگیری، با توجه به مشخص بودن هر برنامه، اطلاعات کلی و موجزی را در باره آنها به دست دهد.
- _ تلویزیون می‌تواند زندگی روزانه کودکان را به صورت نمایشی در آورد که در آن کودکان بتوانند در باره رویدادهای روزانه شان به بحث بپردازند.
- _ رادیو- تلویزیون می‌تواند با تهیه برنامه های آموزشی، مواد درسی خود را با برنامه های مدارس تطبیق دهد و همکاری مدیران و معلمان را جلب کند و ضمناً توضیح دهد که رادیو- تلویزیون، یک وسیله کمک آموزشی است و به هیچ وجه قصد خارج کردن معلم از صحنه را ندارد.
- _ رادیو- تلویزیون برخلاف مدرسه که تنها می‌تواند قشر خاصی از انسانها را ان هم به تعداد اندک و در زمان و ساعاتی محدود، زیر پوشش خود بگیرد، همه انسانها را در تمامی ساعات شبانه روز در اختیار خویش داشته باشد.
- _ رادیو- تلویزیون بر خلاف مدرسه که صرفاً سالهای محدودی از حیات فرد را در بر می‌گیرد، می‌تواند تمامی عمر افراد را تحت پوشش آموزشی خود قرار دهد.

نتیجه گیری :

بدون شک تاثیر رسانه ها در آموزش یک امر اجتناب ناپذیر است. همزمان با پیشرفت علم و گسترش جوامع بشری و پراکندگی جمعیت و با توجه به اهمیتی که آموزش در زندگی انسان دارد هم نیاز و هم میزان استفاده از رسانه های آموزشی و کمک آموزشی افزایش یافته است. امروزه جوامعی موفق هستند که سیستم آموزشی فعال و کارآمدی دارند که در کنار معلمان متخصص و آموزش دیده از تکنولوژی های نوین آموزشی و ارتباطی نیز استفاده می کنند و همانطور که گفته شد رادیو و تلویزیون جزو رسانه هایی هستند که تحولات زیادی را هم در آموزش های رسمی و هم در آموزش های غیر رسمی ایجاد کرده و باعث ارتقاء سطح آموزش گردیده اند.